



<http://www.arianaafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۱/۱۸



م. اسحاق نگارگر

این همه اسراف در قتل برای چه؟

اسراف موازنه را در زندگی از میان می برد. اگر انسان در مصارف و دخل و خرج خویش راه اسراف می پوید چون ثروت مال همه افراد جامعه است این گونه اسراف موازنه توزیع ثروت را در میان مردم صدمه میزند زیرا که در ثروت هر انسان سایل و محروم نیز حقی دارند که آن حق را اسراف ضایع می کند اما اسراف در قتل عملی سخت نابخشودنی است. نخست ببینیم اسراف در قتل یعنی چه؟

اسراف در قتل یعنی کشتن بی قید و شرط مردم و کشتن انسان به عنوان نوعی ساعت تیری. من نمیدانم فرق میان اسراف روم باستان که مردم را به عنوان گلابیاتور به جان هم می انداختند و از گشته شدن یکی به دست دیگر لذت می بُردند با ابن مسلمانان فاقد رحم و عطف در چیست؟ آنان از تماشای گشته شدن مردم لذت می بُردند و اینان از کشتار مردم دست افتخار بر سینه می کوبند. انسانها حیوانات را به منظور رفع ضرورت های غذایی می کُشد ولی حتی اگر در کشتن حیوانات هم راه اسراف در پیش گیرند؛ عمل شان از دیدگاه مصلحت اجتماعی مجاز نیست زیرا که در وحدت کثرت وجود دارد و در کثرت وحدت. به همین دلیل است که کشتن یک انسان کشتن انسانیت است. این گونه کشتن بدون محاکمه و بازخواست نه در مسلمانی مجاز است و نه در انسانیت و من نمیدانم این اشخاص که در این جا و آنجا بم می گذارند و هی مردم را میکشند چه گونه این عمل را توجیه می کنند. اگر به حکم کلام الله یک کس به خاطر یک قتل عمدی برای همیشه در دوزخ بماند هیچ دوزخ تلافی ستم این قاتلان را نمی کند. قصاص در اسلام برای همین منظور است که از قتل جلوگیری شود و وقتی که دولت مکلف باشد یک راه مقابله با این گونه کشتار محاکمه و قصاص علنی قاتلان است و دولت در تطبیق عدالت تردید و دو دلی را باید کنار بگذارد و هریک از این بم گذاران یا مدعیان بم گذاری را که دستگیر می کند علنی محاکمه و جریان آن را به وسیله تلویزیون ها پخش و مرتکبان را محکوم به اعدام و قصاص بنماید و از یاد نبرد که قتل فرد قتل جامعه است و جامعه نمی تواند در برابر آنانی که بدین بی رحمی می کُشدند؛ تماشاگر بماند. من موضوع وحدت در کثرت و کثرت در وحدت را دو سال پیش در یازدهم جنوری ۲۰۱۵ نوشته بودم و اینک به خاطر این کشتار های وحشیانه باز آنرا می گذارم که قتل هر کدام قتل یک خانواده نیز است و چنانچه در دیگر امور زندگی اسراف عملی پسندیده نیست اسراف در قتل افراد بدترین عمل ممکن است. قلب من در غم همه خانواده های که عزیزان شان را از دست داده اند؛ خونین است و من با همه لطافت احساس که دارم در قصاص و اعدام این قاتلان قسی القلب تردیدی نشان نمیدهم. فاعتبروا یا اولی الابصار ۱۱ جنوری ۲۰۱۷ برمنگهم نگارگر

یکی از مباحث بسیار دلچسپ در عرفان اسلامی بحث وحدت در کثرت و کثرت در وحدت است. برای روشن دیدن این موضوع کافیهست یک هسته زردآلو را در نظر بگیرید. این هسته در ذات خود یکی است ولی همین هسته کوچک در خود هزاران زردآلو را نهان کرده است. یعنی اگر این هسته را بکارید و مجال رشد و نمو بدهید به درختی از زردآلو بدل می شود که بار آن هزاران زردآلوی دیگر است و آن هزاران زردآلو می تواند به هزاران درخت بدل شود و بنابراین در دل هسته عالمی دیگر وجود دارد و هنگامیکه کلام الله قتل یک انسان را قتل تمام انسانیت و زنده گردانیدن یک انسان را زنده گردانیدن تمام انسانیت میداند به همین کثرت در وحدت و وحدت در کثرت نظر دارد. ببید هم گفته است که یقینم شد که در هر ذره جانیهست ++ نهان اندر کف خاکی جهانیهست و اما ویلیام بلیک شاعر انگلیسی که از ۱۷۵۷ میلادی تا ۱۸۲۷ میلادی می زیست شعری دارد که در آن جهان را در یک دانه ریگ و سراپا آسمان را در یک شاخه گل می ببیند و بی نهایت را در کف دست می گیرد و ابد را نیز ساعتی می ببیند. من بیست و یک سال پیش از امروز یعنی در بیست و دوم ماه جون ۹۴ آنرا به شعر دری برگردانده بودم. اینک ترجمه و اصل شعر را برای تان اینجا می گذارم. من تا با شعر و ادبیات سر و کار داشته ام این اعتقاد را در دل پرورده ام که فرهنگ و موسیقی انسانی خاصیت های بسیار به هم نزدیک را تبارز میدهد چنانکه گویی تمام دریاچه های فرهنگ های ملی و حتی محلی همه در بحر یک فرهنگ انسانی فرو می ریزد که در آنجا تعصب، تنگ نظری و جزمیت را امراضی میداند که انسان بدان گرفتار می شود و این امراض را با موسیقی و ادبیات می توان تداوی کرد. کافیهست از متعصب ترین مسلمان که حکم به قتل هر چه گبر و ترسا و حتی مسلمان به فکر خودش ناکامل میدهد پرسید که چرا خدای بزرگ قتل یک انسان را قتل تمام انسانیت می داند و چرا تخریب یک گوشه طبیعت تخریب تمام طبیعت است او را از خواب غفلت بیدار می کند تا ببیند که اگر فرصت زندگی را از خطاب به جرم عقیده اش باز گیرند به عمر فاروق نیز مجال زندگی نداده اند ولی مشکل در اینجاست که تعصب افراطی موسیقی و ادبیات را نیز برخورد تحریم می کند اما عارفی همانند ابراهیم خواص در کار است که ببیند خدی (سرودی که برای اشتران بارکش میخوانند) اشتران را چه گونه بر سر شوق می آرد. تعصب افراطی می داند که موسیقی و ادبیات مرض افراط گرایی های عقیدوی را علاج می کند. به همین دلیل کمونیست های افراطی بخش بزرگی از ادبیات و موسیقی را به نام هنر بورژوازی بر خود تحریم می کنند و مسلمانان افراطی نیز موسیقی را غذای روح شیاطین می پندارند و حال آنکه خود می دانند که موسیقی روح شان را به وجد می آرد و عواطف شانرا لطافت می بخشد. نخست می روم به سراغ ترجمه شعر بسیار کوتاه ویلیام بلیک شاعر انگلیسی:

جهان در دانه ای ریگی ببین تو،
سراپا آسمان در شاخه گل
بگیر اندر کف خود بی نهایت
بد خود ساعتی آخر تأمل

To see a world in a grain of sand,
And a heaven in a wild flower,
Hold infinity in the palm of your hand,
An Eternity in an hour.
۱۸۲۷-۱۷۵۷ Blake William